

گروه «محل حضرت رقیه (س) متوسلین به امام زمان (عج)» در محله شهید معقول، برنامه‌های مسجد را در کنار هم پیش می‌برد

مسجد در دست جوانان



راه تجربه

بازی و دوستی در مسجد

به سختی می‌توانیم زمانی مشخص را برای مصاحبه هماهنگ کنیم. بچه‌ها صبح تا بعد از ظهر یا در مدرسه هستند یا سر کار، و شب‌ها هم آن قدر درگیر کارهای گروه می‌شوند که فرصتی برایشان نمی‌ماند. بالاخره علی غلامی، چهره آرام و مصمم گروه، می‌تواند زمانی را هماهنگ کند؛ کسی که به نظر می‌رسد مسئول و سرپرست این گروه باشد. اصلاً خود او بوده که چند سال پیش، همه را دور هم جمع کرده و هسته این محفل را ساخته است.



قصه این جمع صمیمی برمی‌گردد به هفت سال پیش؛ به همان روزهایی که رفاقتشان در مسجد ریشه دواند. علی وقتی از آن دوران حرف می‌زند، لبخند روی لبش می‌نشیند: «طبقه بالای مسجد دارت و فوتبال دستی داشتیم. ما بچه‌ها عاشق بازی بودیم. بعد نماز، همین‌که سلام آخرامی دادیم، می‌دویدیم بالا. همین رفت و آمد ما، همین جمع شدن‌های ساده بعد نماز، کم‌کم بینمان دوستی ساخت.»

شروع کار با ایستگاه صلواتی

این دوستی از چند بازی ساده شروع شد، رفته رفته جان گرفت، پررنگ شد و حالات تبدیل شده است به محفل پر جنب و جوشی که بخش زیادی از فعالیت‌های مسجد را روی دوش خودش گرفته است. امیرعلی میرزایی، یکی دیگر از چهره‌های پرانرژی گروه، از روزهای ابتدایی تشکیل گروه حرف می‌زند. وقتی که سن و سال کمتری داشتند و فعالیت‌های گروه توسط پدرهای آن‌ها انجام می‌شد؛ «اول اولش پدرهای ما اینجا گروه فعال داشتند. بیشتر کارهای مسجد دست آن‌ها بود. ما فقط از دور نگاه می‌کردیم. کم‌کم ما خودمان وارد میدان شدیم و الان دیگر پدرها خیلی کمتر فعالیت‌ها را دست می‌گیرند.» امیرعلی لبخند می‌زند و از روزهایی می‌گوید که فعالیت‌هایشان خیلی ساده‌تر بود؛ نه خبری از داربست بود، نه خیمه‌های بزرگ و برنامه‌ریزی‌های پیچیده‌ای که حالا دارند؛ «فعالیت‌مان را با

سحر نیکو عقیده در فضای مسجد دور هم حلقه زده‌اند و گرم صحبت هستند. با هیجان از فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی‌شان می‌گویند و آن‌ها را ثمره همدلی و همراهی اعضای گروه طی این سال‌ها می‌دانند. جوانان گروه «محل حضرت رقیه (س) متوسلین به امام زمان (عج)» در مسجد پنج تن آل عبا^(ع) محله شهید معقول از سال‌های کودکی، یکدیگر را می‌شناسند. ابتدا برای بازی دارت، فوتبال دستی و... به مسجد می‌آمدند اما کم‌کم پاگیر شدند، رفاقت‌ها را پررنگ‌تر کردند و گروه‌شان را شکل دادند. حالا کل محله این گروه‌رامی‌شناسند و آن‌ها بیشتر فعالیت‌های مسجد را دست گرفته‌اند.

همراهی خوب اهالی

برای تأمین هزینه این فعالیت‌ها هر کدام هر قدر که دارند از جیب می‌گذارند تا برنامه‌هایشان عملی شود. حالا تک‌تکشان سرکاری می‌روند و با وجود وقت محدودی که دارند، گروه را رها نمی‌کنند. علاوه بر هزینه کردن از جیب و زمان هر کدام هم مهارتی دارند که سعی می‌کنند آن را در راستای پیشبرد کارها به کار ببندند؛ مثلاً امیرعلی که در کار تأسیسات است، خیلی وقت‌ها کارهای لوله‌کشی مسجد را انجام می‌دهد. معین رضا قرایی، دیگر عضو گروه که به گفته بچه‌ها در زمینه فضای مجازی مهارت دارد، کانال مجازی گروه را مدیریت می‌کند و عکس و فیلم‌های فعالیت‌ها را به اشتراک می‌گذارد. علی جعفری را آچار فرانسه گروه می‌دانند. هرکاری از دستش برمی‌آید و از هیچ فعالیتی دریغ نمی‌کند. از چای ریختن در مسجد برای مراسم تا روضه خوانی! البته توضیح می‌دهند که حالا اهالی هم با آن‌ها همراه شده‌اند. معراج سرحدی می‌گوید: «قبل‌ترها بزرگ‌ترها ما را جدی نمی‌گرفتند و حتی مسن‌ترها گاهی سنگ اندازی هم می‌کردند و می‌گفتند مسجد فقط جای عبادت است نه این کارها! حالا اما همه به ما اعتماد کرده‌اند. خیلی وقت‌ها اهالی برای هزینه مراسم بانی می‌شوند و کمک می‌کنند.»

می‌گویند مگر وقتت را از سر راه آورده‌ای؟

با وجود همه این واکنش‌های مثبت و دلگرم‌کننده، آن‌ها از برخورد‌های نامناسب هم می‌گویند. اینکه خیلی‌ها این فعالیت‌ها را بی‌معنی می‌دانند، علی غلامی تعریف می‌کند. حالا در کمتر محله‌ای می‌توانی گروه جوانی را پیدا کنی که تا این حد به فعالیت‌های مسجدی پایبند باشند. خیلی وقت‌ها رفیق‌هاییم به من می‌گویند مگر پول و وقتت را از سر راه آورده‌ای که حاضری بدون چشمداشت تا این حد برای محله و مسجد وقت بگذاری؟ اما من هدفم چیز دیگری است. دلم می‌خواهد این محله پیشرفت کند. بچه‌ها از اهداف و انگیزه‌های دیگری هم حرف می‌زنند. معراج سرحدی که از دیگر اعضا کم‌سن و سال‌تر و کم‌حرف‌تر به نظر می‌رسد، می‌گوید: «ما ده نفر حالا فقط یک گروه نیستیم و شبیه یک خانواده شده‌ایم. هر روز یکدیگر را می‌بینیم. با هم فوتبال بازی می‌کنیم، تفریح می‌کنیم و فعالیت‌های گروه را هم پیش می‌بریم. این گروه باعث شده است این همه سال دوستی و رفاقت ما حفظ شود.»

ایستگاه صلواتی شروع کردیم. با هماهنگی همسایه‌ها، چند میز در خانه‌ها می‌گذاشتیم، چند پارچ شربت و چند لیوان پلاستیکی. کل امکاناتمان همین بود.»

فرش کردن کوچه برای جشن بزرگ

حالا دیگر فعالیتشان به خیمه زدن در محرم و اعیاد خلاصه نمی‌شود؛ کارهایشان گسترده‌تر شده و رنگ و بوی تازه‌ای گرفته است. علی غلامی از مراسم عید غدیر می‌گوید: جشنی که به گفته او، این چند سال با تلاش همین گروه جوان، باشکوه‌تر و پررونق‌تر از گذشته برگزار می‌شود؛ «قدیم‌تر فقط داخل مسجد جشن گرفته می‌شد. ما بچه‌ها پیشنهاد دادیم کل کوچه فرش شود.» بعد اضافه می‌کند که چند روز پیش از مراسم، دور هم در مسجد می‌نشینند و برنامه‌ها را می‌چینند؛ «از مساجد و خانه‌ها فرش می‌گیریم و خلاصه کوچه را فرش می‌کنیم. کل محله را برای برگزاری جشن همراه می‌کنیم.» علی جعفری، دیگر عضو فعال گروه، اما به بخش دیگری از فعالیت‌هایشان اشاره می‌کند؛ چیزی که به نظر خودش ستون اصلی انسجام این جمع است؛ «علاوه بر این کارهای پراکنده، ما هیئت هفتگی هم داریم. همین تعهد هر هفته باعث شده است الان گروه کنار هم بماند و مداومت داشته باشیم.» او می‌گوید در

